

## بیاری زندانیان سیاسی و خانواده های آنان و دیگر قربانیان جنایت رژیم و مادران عزا بشتابیم.

احمد نوین

" در حالی که اکنون نام و نشان تعدادی از مزدورانی که جنایات شرم آوری در رابطه با جوانان مبارز ایران مرتکب شده اند، افشاء شده است، اما، تا کنون هیچکدام از آنان در دادگاهی علنی و با شرکت خبرنگاران و خانواده قربانیان جنبش اعتراضی اخیر مردم ایران، محاکمه نشده اند. رژیم ادعا نموده است که "عناصر خودسر"ی را محاکمه و محکوم نموده است. اما، مردم تا از نام و نشان و نوع جرم و محکومیت آنان مطلع نشوند، این بازی رژیم را نیز، ترفند دیگری برای به فراموشی سپردن جنایات اخیر رژیم بحساب خواهند آورد. چرا باید مردم به این وعده و وعیدهای رژیم دلخوش باشند؟".

پس از کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ و عکس العمل مردم معترض به ولی فقیه، که با فریادهای " مرگ بر دیکتاتور، چه رهبر چه دکتر " بیش از سه ماه است نظام ولایت فقیه را به چالش کشیده اند، برخی محافل قدرت در نظام در صدد بر آمدند که با اعترافات محدود به وجود سرکوب ( از جمله در زندان کهریزک ) و وعده و وعیدهای مبنی بر مجازات خاطیان، "مرهمی" بر درد خانواده قربانیان سرکوبهای اخیر و مردم معترض به نظام، بگذارند. اما در همین فریب کاری نیز، آنقدر حرفهای متناقض تحویل مردم دادند که دیگر هیچ کس فریب اظهارات چند گانه مقامات جمهوری اسلامی را نمیخورد.

فلان مقام قضائی به وجود "برخی اجحافات" در کهریزک اعتراف میکند. یک مقام نظامی شکنجه و قتل در زندان کهریزک را انکار میکند. غلامعلی حدادعادل رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز در حاشیه یک گردهمایی دانشجویی در پاسخ به سوال یکی دانشجویان در خصوص حوادث بعد از انتخابات ( که در تابناک درج گردیده است ) تلاش میکند که قتل و تجاوز در کهریزک را بی اهمیت جلوه دهد و اظهار نظر میکند که: " آن اتفاقی که در کهریزک رخ داد .. بر اثر بی توجهی و اشتباه بوده است.". و به تبعیت از رهبر نظام علی خامنه ای که همه چیز را به "دشمن" نسبت میدهد، بیشرمانه میگوید " حتی ممکن است در آن غرضورزی و برنامه ای از پیش تعیین شده، موثر بوده باشد."

یک مقام دیگر امنیتی از بیخ و بُن منکر رفتار ها و کردار های ضد انسانی نسبت به زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان اخیر نظیر فحاشی، کتک زدن، شکستن استخوان های بدن آنان، انفرادی، قبر، تهدید به تجاوزات جنسی و مبادرت به تجاوز جنسی به برخی از دختران و پسران بازداشت شده میشود، اما روز بعد، پرویز سروری نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی اعلام میکند بزودی رسیدگی به تخلفات مأموران خودسر در کهریزک آغاز میشود. این اظهار نظر های "با دست عقب زدن و با پا پیش کشیدن"ها و متناقض، تا قبل از فرار دو تن از قربانیان تجاوزات جنسی در اسارتگاههای رژیم و اعلام پناهندگی در ترکیه است. زیرا که برخی از عناصر برخی از محافل قدرت در ایران امیدوار بودند با وادار کردن بسکوت و یا به همکاری کشاندن این قربانیان و در صورت عدم موفقیت پاک کردن صورت قضیه، با نابودی آنها وقوع جنایت را از بخ و بُن انکار نمایند.

اما با فرار ابراهیم شریفی و مریم صبری از ایران و افشاگری های این دو قربانی در سطح بین المللی نقشه های پلید "پاک کردن صورت قضیه" نقش بر آب شد.

ابراهیم شریفی در مصاحبه با CNN پس از آنکه چگونگی دستگیری را توضیح داد و تجاوز جنسی مأموران سرکوبگر رژیم را دگر باره افشاء کرد گفت که: " من با شکستن تابو و سخن گفتن دست به یک خودکشی اجتماعی زدم ، خودم را نابوده کردم تا این اتفاق برای دیگران نیفتد."

مریم صبری نیز که در جریان تجمع بر روی مزار ندا آقا سلطان دستگیر و چهار بار مورد تجاوز قرار گرفته است گفت که چگونه مورد جزئیات تجاوز جنسی مزدوران رژیم قرار گرفته است.

از جمله گفت: " دست های من بسته و چشم بندی نیز بر چشمم زده بودند". " بازجو در حالی که با دستش گلویم را می فشرد مرا به زمین افکند. دو پایم زیر فشار سنگینی دو پایش بود به طوری که قادر به حرکت نبودم". او در این مصاحبه اضافه کرد؛ بار آخری که مورد تجاوز قرار می گیرد فرد متجاوز چشم بندش را بر می دارد و می گوید او به شرطی آزاد خواهد شد که همکاری کند.

جمهوری اسلامی برای گریز از مهلکه نشان داده است که حتی میتواند عوامل خودش را نیز قربانی کند، تا آمران قتل، جنایت و سرکوب را که غالباً از رده های بالا هستند، نجات دهد. اما این بار قادر نشده اند که با اراده واحد، بچشم مردم خشمگین و آزادیخواه، خاک بپاشند. در حالی که یک محفل قدرت همچنان مصمم است که بدون هیچ ملاحظه ای برای بازسازی قدر قدرتی رژیم در ذهنیت توده ها، همچنان سرکوب را ادامه دهد، ولی طرح یکی یگر از محافل قدرت این است که برای اعتماد سازی میان حکومت و مردم حق طلب، چند "مأمور خود سر" را در دادگاه هائی نمایشی محاکمه کنند، تا آمران سفاکی های اخیر و دیگر عاملان جنایات را به سایه ببرند.

این ارائه نظرات و "توضیحات" گوناگون نشان میدهد که عناصر و ارگانهای رژیم دیگر قادر نیستند همانند گذشته، تحت فرماندهی واحد، با هماهنگی تولیدات "کارگاه ضد اطلاعات" رژیم را، تحویل مردم بدهند. چرا چنین اتفاقی افتاده است؟ علت این است که دیگر مردم نه تنها فریب دروغ پرازی های دستگاه حکومتی را نمیخورند، بلکه در عمل با توسل به نافرانی مدنی، در مقابل رژیم میایستند.

به مقاومت، مبارزه مردم در ۲۷ شهریور "روز قدس" توجه کنید و ببینید که مردم آزادیخواه چگونه بساط تبلیغات و دروغ پردازی های رژیم مدعی حمایت از مردم فلسطین را بهم ریختند و بار دیگر طشت رسوائی رژیم را واژگون کردند. ۲۷ شهریور ۱۳۸۸ روزی است که پس از آنکه سه ماه رژیم جمهوری اسلامی ایران سرکوب های مخوفی از قبیل دستگیری های گسترده، زندان، شکنجه و حتی تجاوز جنسی به برخی از بازداشت شدگان را همچنان در دستور کارش داشت، مردم معترض و مبارز بار دیگر با فریادهای مرگ بر دیکتاتور، نه تنها نشان دادند که تسلیم زورگوئی های رژیم نشده و به انفعال روی نیاورده اند، بلکه اینبار جسورانه تر به خیابانها و میدانی شهرها آمده اند تا نشان دهند که میتوانند قدر قدرتی رژیم را در ذهن توده ها درهم بشکنند. بعنوان مثال در میدان ۲۵ شهریور ( هفت تیر ) زمانی که ارادل و اوباش بسیجی به مردم حمله نمودند، جوانان خشمگین با آنان درگیر شدند و مزدوران رژیم را ناچار کردند که بسرعت به ستاد بسیج در همان میدان بازگردند. این جوانان خشمگین پس از آن موتور سیکلت های بسیجی ها در مقابل چشمان وحشت زده آنها، را به آتش کشیدند.

اما از تداوم جنایات رژیم، هرگز نباید غافل شد. پس آغاز جنبش اعتراضی اخیر مردم ایران، عکس العمل رژیم در مقابل آن، سرکوب وحشیانه و انباشتن بیش از پیش زندان ها از مبارزین، بویژه مبارزین جوان بود. در سه ماهه اول پس از "انتخابات" ریاست جمهوری در ایران و انتصاب محمود احمدی نژاد به سمت رئیس جمهور ولی فقیه، بیش از ۴۰۰۰ نفر از مخالفین دولت دستگیر و روانه زندان ها شدند. معدودی از بازداشت شدگان اخیر، بقید ضمانت های سنگین فعلاً "آزاد" شده اند. تعداد قابل ملاحظه ای از دستگیر شدگان اخیر همچنان در زندان و تحت اذیت و آزار هستند. پاسخ مزدوران رژیم به خانواده های این زندانیان بسیار غیر انسانی و اهانت بار بوده است. اما، مبارزه برای آزادی بازداشت شدگان اخیر و دیگر زندانیان سیاسی ایران، همچنان ادامه دارد. علاوه بر این بازداشت شدگان، در ۲۷ شهریور نیز تعدادی از مخالفان رژیم در تظاهرات دستگیر و روانه زندان ها شدند. بنابر اطلاعات منتشر شده تعداد دستگیر شدگان در این روز - فقط در تهران- بیش از ۲۰۰ نفر بوده است. بنابر گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، در روز اول مهرماه حدود ۱۳۰ نفر از خانواده بازداشت شده ها که نگران تکرار فجایع کهریزک در رابطه با

عزیزانشان بودند، در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کردند و خواستار آزادی فوری عزیزان خود شدند و اعلام نمودند که به هیچ عنوان به حکومت اجازه نخواهند داد که با بازداشتی‌های روز جمعه ۲۷ شهریور "روز قدس"، مانند دیگر بازداشتی‌ها برخورد کند و با وارد کردن اتهامات بی‌اساس و پرونده‌سازی آنها را به میز محاکمه بکشاند. این خانواده‌ها اعلام نموده‌اند که وای به حال حکومت، اگر سخنی از شکنجه و تجاوز و بدرفتاری با عزیزانشان بشنوند. به هیچ عنوان سکوت نخواهند کرد و به اعتراضات خود شدت خواهند بخشید. همچنین همزمان در حدود ۶۰ نفر از خانواده‌های بازداشتی‌ها نیز در مقابل درب دژبانی زندان اوین تجمع کردند و خواهان آزادی فوری عزیزان خود بوده‌اند که مورد یورش مزدوران رژیم قرار گرفتند.

رژیم جمهوری اسلامی ایران در کنار ادعاهای برخی از صاحب‌منصبانش در رابطه با مجازات "خاطیان" زندان کهریزک، همچنان به سرکوب‌هایش ادامه می‌دهد. در حالی که اکنون نام و نشان تعدادی از مزدورانی که جنایات شرم‌آوری در رابطه با جوانان مبارز ایران مرتکب شده‌اند، افشاء شده است، اما، تا کنون هیچکدام از آنان در دادگاهی علنی و با شرکت خبرنگاران و خانواده قربانیان جنبش اعتراضی اخیر مردم ایران، محاکمه نشده‌اند. رژیم ادعا نموده است که "عناصر خودسر"ی را محاکمه و محکوم نموده است. اما، مردم تا از نام و نشان و نوع جرم و محکومیت آنان مطلع نشوند، این بازی رژیم را نیز، ترفند دیگری برای به فراموشی سپردن جنایات اخیر رژیم بحساب خواهند آورد.

چرا باید مردم به این وعده و وعده‌های رژیم دلخوش باشند؟ مسئولین رژیم جز در رابطه با تهدیدهای سرکوب‌گرانه شان، در همه موارد دیگر خلف وعده نموده‌اند. بعنوان مثال پس از حمله گروه‌های فشار به کوی دانشگاه در تهران، در سه ماه قبل، با وجود ادعاهای عدالت‌خواهی مزدوران مصدر کار، نه تنها اقدامی برای معرفی و برخورد به مهاجمین به کوی دانشگاه و دانشجویان انجام نشده است، بلکه برعکس، برای تشدید فشار بر دانشجویان مبارز، بنظر میرسد که مجموعه مدیریتی دانشگاه در تهران، در حال وارد شدن به فاز تعطیلی کوی دانشگاه است. "سگ را رها و سنگ را بسته‌اند."

اما در رابطه با ورود رژیم به فاز آماده‌شدن برای تداوم سرکوب‌ها، بعنوان مثنی نمونه خروار، میتوان به موارد ذیل اشاره کرد:

\* - سعید متین پور فعال حقوق بشر و روزنامه‌نگار زندانی آذربایجانی که اکنون دربند مالی زندان اوین به سر می‌برد و دچار عفونت ریه شده و در شرایط بد جسمی به سر می‌برد .

\* - صدور حکم محکومیت ۵ سال زندان و تبعید به زندان گوهردشت کرج، برای کبری بنزاد امیرخیزی، بدلیل قصد دیدار با فرزندانش در قرارگاه اشرف در عراق .

\* دستگیری رضا لطفی در ۲۹ سپتامبر در منزل مسکونی اش و انتقال به زندان.

\* - تداوم فشار، از جمله کتک زدن احمد زید آبادی (روزنامه‌نگار) در زندان، بعلت نگارش نامه سرگشاده به علی خامنه‌ای است.

\* - دستگیری و زندان کردن کسانی که در راهپیمایی‌ها و تجمعات حضور داشته‌اند و ماموران ناجا، موبایل و یا کارت شناسایی این افراد را ضبط کرده بودند. در موقع مراجعه این افراد برای بازپس گرفتن این اموال، این افراد مستقیماً به زندان اوین فرستاده میشوند.

\* - افزایش اختیارات بسیج برای برخورد با دانشجویان. از جمله فرمانده کل سپاه پاسداران به دانشجویان بسیجی گفته است که برای مقابله با اعتراضات دانشجویان، "منتظر فرمان مافوق نباشند."

- \* - یورش نیروهای انصار به کوی دانشگاه تهران و زخمی و بازداشت کردن تعدادی از دانشجویان.
- \* - اخطار به خانواده‌های ۵۰ دانشجوی اصفهانی. در مورد تشدید برخورد ماموران نظام با فرزندان آنها.
- \* - صدور حکم محکومیت ۵ سال زندان برای مهدی گرایلو دانشجوی دانشکده فیزیک دانشگاه تهران ، سر دبیر نشریه دانشجویی اخگر و از اعضای هیئت تحریریه نشریه توقیف شده خاک، به اتهام تشکیل گروه مارکسیستی.
- \* - صدور حکم محکومیت ۵ سال زندان برای کیوان امیر الیاسی دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف به اتهام ارتباط با گروه‌های مخالف رژیم.
- \* - صدور حکم محکومیت ۲سال زندان برای مهدی الهیاری از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشکده شیمی دانشگاه تهران و از اعضای هیئت تحریر نشریه دانشجویی خاک. بجرم مخالفت با رژیم.
- \* - صدور حکم محکومیت ۲سال زندان برای مهدی اللهیاری، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف . بجرم مخالفت با رژیم.
- \* - صدور حکم محکومیت شش ماه زندان برای جلوه جواهری، فعال کمپین یک میلیون امضاء، به اتهام «اجماع و تبانی با هدف اقدام علیه امنیت کشور»
- \* - دستگیری احمد باب، از فعالان شهرستان مریوان در تاریخ ۳ شهریورماه سال جاری توسط نیروهای اداره اطلاعات شهر مذکور در منزل شخصی خود همراه با ضرب و شتم، و انتقال به بازداشتگاه اطلاعات سندج .

این همه نشان میدهد که باصطلاح تغییر و تحولات در مسئولیت های صاحب منصبان رژیم نظیر برکناری حسین طائب از فرماندهی بسیج مستضعفین ( و نصب او در یک نهاد مهم سپاه )، و یا جابجائی مرتضوی دادستان تهران و معروف به جلاد مطبوعات و عامل صدور بسیاری از احکام غیر انسانی علیه مخالفان رژیم و نصب او در سمتی دیگر، بقصد کم کردن فشار بر علیه مبارزین و مردم معترض نبوده، بلکه ، تلاش مزبوحانه ای در جهت پاشیدن خاک بچشم توده های مقاوم ومبارز بوده است. امری که مردم ایران و افکار عمومی جهان در طول سه دهه حاکمیت خونبار نظام جمهوری اسلامی ایران، بکرات شاهد آن بوده اند. برآستی اگر مقایسه گرگ درنده با نظام ولایت فقیه، توهین به گرگ نباشد، در مورد این نظام باید گفت : توبه گرگ، مرگ است.!

اما توجه به یک موضوع مهم دیگر در اینجا، ضروری است. برخوردهای خشن رژیم به اعتراضات مردم و مخالفان درون نظام، نه نشانه قوت جمهوری اسلامی، که نشان از ضعف و درهم پاشیدگی نسبی رژیم است. سرکوب خونبار تظاهرات مردمی که شعار اولیه شان در سه ماه قبل، تکیه بر تقلب انتخاباتی داشت، نشان میدهد که رژیم خود از خشم و نفرت افزایش یابنده مردم نسبت به نظام و مسئولان آن مطلع است و میداند که هر حرکت مسالمت آمیز مردم، میتواند در تداوم و تکامل و سراسری شدن اش، آنچنان طوفانی از خشم و نفرت مردم بپا کند که بساط حکومت را درهم ریزد. همین واقعیت است که با هر حرکت وسیع مردمی، وحشت مرگ سراپای رژیم را فرا میگیرد. آنچنان که حتی پاسخ خودی های دیروز را هم با تهدید، بازداشت، زندان و تداوم سرکوب ها در زندان میدهد. و این ها نشانه هائی از آغاز پایان کار رژیم نیز هست.!

برای درهم شکستن امواج سرکوب های رژیم، برای انفراد بیش از پیش رژیم ، برای تداوم مقاومت و مبارزه مردمی در مسیر بزیر کشیدن نظام جهل و جنایت جمهوری اسلامی، میبایست مرکز ثقل مبارزه آزادیخواهی و برابری طلبی به خواست های مطالباتی کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، اساتید و معلمان، ملیت های ساکن ایران و ... منتقل

گردد. دستگاه سرکوب رژیم در مقابله با این جنبش وسیع و همگانی، به گل خواهد نشست و نظام ضد بشری کنونی به زانو در خواهد آمد.

اما تا برآمدن این جنبش مستقل مطالباتی گسترده در سراسر کشور، هم اکنون خانواده های زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان اخیر، در کنار مادران عزا، با حمایت جوانان و دانشجویان، میتوانند با سازمان دادن و تداوم مبارزه ای برنامه ریزی شده، فریاد حق طلبی خود را در سراسر ایران پژواک دهند و از مردم آزادیخواه کشور، طلب همبستگی و همراهی نمایند.

با ایجاد صف مستقل و بهم پیوسته خانواده های زندانیان سیاسی، دستگیرشدگان ماههای اخیر، مادران عزا و تداوم مبارزه سازمان داده و برنامه ریزی شده و جلب همبستگی و همراهی بخش های دیگر جامعه ( کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان و...) است که میتوان باز بیشتر رژیم جمهوری اسلامی را بعقب راند و بیش از گذشته، فرزندان اسیر مردم را از چنگال خونریز آمران و عاملان جنایتکار رژیم خارج کرد و آزاد نمود. رژیم جمهوری اسلامی ایران بنابر تجربه نشان داده است که تنها زبان زور را می فهمد. مقاومت و مبارزه سازمان داده شده و هماهنگ صفوف مستقل مردم بر علیه رژیم، به مثابه مشت محکمی میتواند در این مقطع، قهر مردم بجان آمده را در مقابل زورگویی های رژیم قرار دهد و نظام را به عقب رانده و بزانو در آورد. و این میتواند سرآغاز پورش سراسری اکثریت عظیم به رژیم برای تحقق منافع اکثریت عظیم باشد. آن روز دور مباد!

۱۲ مهرماه ۱۳۸۸ - ۴ اکتبر ۲۰۰۹